

مقدمه‌ای بر سیر تحول و تفکر پیرامون جنگ

www.ketab.ir

دکتر حجت‌اله مرادی

تهران ، ۱۳۹۷

سرشناسه: مرادی، حجت‌اله

عنوان وپدیدآورنده: مقدمه‌ای بر سیر تحول و تفکر پیرامون جنگ/ حجت‌اله مرادی/تهران:

دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات دانا ۱۳۹۲

شابک:

مشخصات ظاهری: ۹۰ صفحه

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا



انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه‌ای بر سیر تحول و تفکر پیرامون جنگ

تألیف: حجت‌اله مرادی

ویراستاری علمی و ادبی: معاونت پژوهش و تولید علم

طراح جلد: سید سجّتی عادل

صفحه‌آرا: دانا گوری

شابک:

بها: ۴۰۰۰۰ ریال

نوبت و سال چاپ: پاییز ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

ناشر: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (دانا)

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (دانا)

نشانی انتشارات: تهران، ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام،

دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، تلفن ۲۲۹۷۰۳۴۳

نشانی اینترنتی: www.sndu.ac.ir

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۱	فصل اول: فرایند تفکر پیرامون جنگ
۱۷	دیدگاه نظریه پردازان جنگ‌های مدرن
۱۸	سن ترو
۱۹	کلاوزو و بتس
۲۱	ماکیاوالی
۲۱	دیدگاه بدیشمندان اسلامی
۲۲	اندیشه نظامی امام علی (ع)
۲۷	فلسفه نظامی معلم مانی
۲۹	اندیشه نظامی در قابوسنامه
۳۰	اندیشه نظامی در سیاست‌نامه
۳۲	تحول اندیشه نظامی در ایران
۳۲	اندیشه نظامی امام خمینی (ره)
۳۷	فصل دوم: نظریه‌های جامعه‌شناختی و روانشناختی جنگ
۳۹	نظریه‌های جامعه‌شناختی جنگ
۳۹	نظریه‌های خوشبینانه جنگ
۴۱	نظریه‌های بدبینانه جنگ
۴۲	دیدگاه روان‌شناختی جنگ
۴۷	فصل سوم: فرآیند تحول جنگها در دوران مدرن
۵۰	جنگ‌های ابتدایی
۵۱	جنگ پیش از صنعتی شدن
۵۱	جنگ‌های مدرن
۵۴	نسل‌های جنگ
۵۸	نسل اول جنگ

۵۹	 نسل دوم جنگ
۵۹	 نسل سوم جنگ
۶۱	 نسل چهارم جنگ‌های مدرن
۶۴	 نسل چهارم فناوری محور
۶۵	 نسل چهارم ایده محور
۶۷	 بُعد راهبردی
۶۸	 بُعد سیاسی
۶۸	 بُعد عملیات
۷۰	 بُعد تاکتیک
۷۱	 عملیات‌های نسل چهارم
۷۴	 اصول جنگ نسل چهارم
۸۱	 فصل چهارم: نتیجه‌گیری
۸۶	 منابع

چالش‌هایی که این روزها ارتش‌های منظم جهان با آن روبه‌رو هستند چنان شرایط سردرگم‌کننده‌ای را به وجود آورده که پاره‌ای تحلیلگران امور نظامی از ظهور نسل چهارم شیوه‌های جنگی سخن می‌گویند که کاملاً از سه نسل قبل متمایز است. اولین نسل آرایش خطی و ستونی نیروها بود که با جنگ‌های ناپلئونی منسوخ شد. نسل بعدی با ظهور مسلسل و توپخانه آغاز شد و با ابداع تانک و تولید انبوه هواپیماهای جنگی پایان یافت. از نسل دوم به بعد سلاح‌های کشتار جمعی که تلفات دشمن را به حداکثر می‌رسانند به کار گرفته شد. حذافصل جنگ دوم جهانی تا عملیات اشغال عراق دوران رشد و توسعه روش‌های جنگ نسل سوم بود. هامس^۱ تأکید دارد اشغال عراق را باید نقطه پایانی نسل سوم شیوه‌ها و جنگ، افزارهای جنگی دانست. به اعتقاد او نسل چهارم متضمن به کارگیری شیوه‌ها و شبکه‌های جنگی نامتعارف خواهد بود. دوره‌ای که بیش از هر زمانی در گذشته عملیات جنگی را به فناوری متکی می‌کند. در این شبکه غلبه بر نیروهای دشمن دنبال نمی‌شود بلکه در مقابل با یورش به ذهن و روان گروه‌های تصمیم‌گیرنده دشمن و مردم سعی می‌شود اراده سیاسی نیروی متخاصم درهم شکسته شود. لباک^۲ (۱۹۹۱)، مرحله‌ای که به صورت روشمند و دقیق به تحقیق پیرامون ملت‌های مختلف پرداخته است و بر اساس یافته‌های پژوهشی توانسته است به مدلی برای تبیین عوامل مؤثر بر روحیه و عزم ملی دست یابد، تأکید کرده است که "شناخت دشمن" جز با آگاهی دقیق از "روحیه و عزم ملی" او میسر نمی‌گردد. به زعم او، روحیه و عزم ملی عامل نیرومند و بی‌بدیلی است که با آگاهی از آن می‌توان شکست یا پیروزی یک ملت را در بحران و جنگ پیش‌بینی نمود. این محقق شواهدی ارائه داده است که نشان می‌دهد پیروزی یا شکست دولت‌های روسیه، انگلستان و... در چند دهه گذشته، پیش از هر عاملی متأثر از روحیه و عزم ملی آنها بوده است. بر اساس یافته‌های این محقق، زمانی که یک ملت دچار فروپاشی روحیه و عزم ملی می‌شود، آنجا که نه تنها روانی^۳ آن فزونی می‌یابد که او را از استمرار موفقیت‌آمیز اهداف ملی باز می‌دارد. فریدمن^۴ (۲۰۰۴) نیز شواهدی ارائه داده است که آشکار می‌سازد شکست زود هنگام ارتش عراق در برابر ارتش امریکا، در عملیات

^۱ - سرهنگ توماس ایکس هامس (Tomas X. Hammes) تحلیل‌گر ارشد مؤسسه مطالعات راهبردی ملی وابسته به دانشگاه دفاع ملی امریکا

^۲ - S. Labuc

^۳ - mental causalities

^۴ - Freedman

۲۰۰۳، بر اثر فروپاشی روحیه و عزم ملی آن کشور بوده است. به باور او، امریکا با بهره‌گیری از عملیات روانی گسترده خود علیه ارتش عراق در ماه‌ها و روزهای پیش از شروع عملیات، آنچنان روحیه آن را در هم کوبید که با آغاز نبرد، نظامیان و مردم عراقی به گونه‌ای از خود واکنش نشان دادند که گویی دچار فلج روانی^۱ شده‌اند.

جنگ‌های قرن ۲۱ ممکن است فقط تا حدی با حضور سربازان انجام گیرد و عمدتاً نیز اهداف نظامی سنتی را دنبال نکند. هدف آینده عبارت است از تأثیرگذاری بر اراده یا روحیه مردم و صرفاً به ارتش توجه نمی‌شود. این نظریه مبتنی است بر دیالکتیک تز و آنتی تز، به این معنا که هر یک از نسل‌های چهارگانه جنگ، با تأکید بر یک فناوری و یا تدبیر نظامی نوین، در پاسخ به نسل قبلی خود پا به میدان رزم نهاده‌اند. به بیان روشن‌تر، نوآوری چه در حوزه تاکتیک یا سلاح، مزیتی سرنوشت‌ساز برای طرفی از درگیران است که اولین بار آن را به کار بندد. تدابیر و نه فناوری‌های نظامی، جنگ آینده را در سیطره همراه گرفته‌اند. مانکлер معتقد است که جنگ‌های قرن ۲۱: تداوم خطی روندهای قرن بیستم نخواهد بود (۹: ۱۰۰۳).

از گفته‌های مانکлер چنین بر می‌آید که جنگ نسل چهارم صرفاً گام یا مرحله بعدی در تحول جنگ نخواهد بود بلکه تغییری به سوی پارادایم جدید جنگ محسوب خواهد شد. هامس در مقاله‌ای تحت عنوان "تحول جنگ: نسل چهارم" در سال ۲۰۰۳، استدلال می‌کند که پنج ویژگی تاکتیکی در ذات جنگ نسل چهارم عبارت است از:

- جنگ در محیط پیچیده مناقشه سطح پایین ضرورت می‌یابد؛
- دربرگیرنده تکنیک‌ها و تاکتیک‌های نسل‌های قبلی خواهد بود؛
- در طیف شبکه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی صورت خواهد گرفت؛
- جنگ از طریق شبکه‌های فوق در سرتاسر جهان روی خواهد داد؛
- دربرگیرنده ترکیبی از بازیگران ملی، بین‌المللی، فراملی و فروملی خواهد بود (ص ۴۴).

این ویژگی‌ها را می‌توان در مناقشاتی که در عراق و افغانستان روی می‌دهند مشاهده کرد. لئند در سال ۲۰۰۴ با عنایت به محیط پس از یازده سپتامبر و اقدامات نظامی در عراق و افغانستان بار دیگر به مفهوم جنگ نسل چهارم توجه کرد. لئند اظهار می‌دارد که:

دولت انحصار خود بر جنگ را در جنگ نسل چهارم از دست داده است (۲۰۰۴: ۱۳).

جنگ نسل چهارم بازگشتی به جنگ فرهنگ‌هاست و صرفاً جنگ میان دولت‌ها نیست. تاکتیک‌های جنگ نسل چهارم، تاکتیک‌های جدیدی نیستند؛ برخی از این تاکتیک‌ها همان تاکتیک‌های معیار در جنگ چریکی به شمار می‌روند. با استفاده از تبلیغات و سایر فرآیندهای سیاسی، روانی و اجتماعی برای تأثیر نهادن بر روحیه و عزم ملی، ادراک، انگیزش و نگرش‌های مخاطبان آماج تغییر داد (فریدمن، ۲۰۰۳). در دنیای امروز، از این روش به عنوان یکی از منابع قدرت یاد می‌شود (ساندرز^۱، ۲۰۰۴). چه، کشورها و حکومت‌ها با استفاده از این ابزار و روش می‌توانند اذهان مخاطبان آماج، (اعم از ملت خویش یا ملت‌های دیگر)، را "دستکاری"^۲ کنند و رفتار آنان را در جهت منافع خویش جهت دهند. دستکاری روحیه و عزم ملی زمانی قادر است بر نگرش‌های مخاطبان آماج تأثیر بگذارد که «لَا» سابع آن از اعتبار و منزلت کافی برخوردار باشند. ثانیاً: استفاده‌کنندگان از آن، از ابزارهای مناسب به دراستفاده نمایند (فریدمن، ۲۰۰۳).

قرآن مجید در آیه ۵۵ سوره انفال نقش عوامل فرهنگی - معنوی، از جمله امدادهای الهی نسبت به جبهه ایمان در مقابل کفر و نصیر پایداری یک ملت در جنگ و در برابر دشمنان، تأکید دارد. آنجا که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»^۱ «ای پیامبر! بر مؤمنان را به جهاد برانگیز، [و بدان که] اگر از شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن غلبه خواهند کرد و اگر از شما صدتن باشند بر هزار تن از کافران غلبه می‌کنند، چرا که اینان قومی هستند که چیزی را نمی‌فهمند».

امام خمینی (ره) نیز در طول انقلاب اسلامی و مبارزه با رژیم شاه و نیز در دفاع مقدس و مقابله با دشمنان همواره بر استفاده از ظرفیت اعتقادی و تحول روانی ملت ایران تأکید می‌نمودند. دمیدن روح امید و آرومان و اعتماد به نفس در ملت ایران، رمز اصلی برانگیختن جوانان کشور و تبدیل آنان به مجاهدان مشتاق شهادت بود. همین تحول روانی در ملت ایران رمز پایداری و استمرار انقلاب اسلامی و عزت و قدرت ملی در برابر تهدیدات مختلف دشمن و عامل اصلی بازدارندگی در برابر دشمنان است. سن تزو در کتاب "هنر جنگ" می‌گوید:

جنگ از اهمیت حیاتی برای دولت برخوردار است؛ مسئله مرگ و زندگی است و راهی است که به بقا یا نابودی منتهی می‌شود. مطالعه کامل جنگ، الزامی است (۱۹۶۳: ۶۵).

^۱ - Sanders

^۲ - Manipulation

سن تزو پس از این گفتار مقدماتی به عواملی پنجگانه اشاره می‌کند که فرماندهان برای پیروزی در نبرد باید بر آن تسلط داشته باشند. نفوذ معنوی نخستین مؤلفه به شمار می‌رود که تزو آن را بدین صورت تعریف می‌کند: «نفوذ معنوی مسئله‌ای است که موجبات هماهنگی مردم با رهبران را فراهم می‌آورد و مردم با تکیه بر آن بدون هراس از خطرات مرگبار در مرگ و زندگی، رهبران را همراهی می‌کنند». نفوذ معنوی یعنی میزان هماهنگی مردم با حکومت و میزان فرمانبرداری آنان از حاکمان. به تعبیر دیگر او معتقد است که با افزایش اعتماد مردم به حاکمان احتمال پیروزی در جنگ افزایش می‌یابد. در دیدگاه سن تزو، جنگ از اهمیت حیاتی برخوردار است و باید مورد مطالعه قرار گیرد. به زعم بسیاری از اندیشمندان (به عنوان مثال لباک، ۲۰۰۸ و مینینگ، ۲۰۱۰) در جنگ‌های آتی "روحیه" و "عزم ملی" است‌ها، سهم و نقشی بی‌بدیل در پیروزی یا شکست طرف‌های درگیر دارد. به همین سبب، کشورهای حکمت‌آمیز این که به پیروزی خود در نسل چهارم جنگ‌ها می‌اندیشند ناگزیر باید این دو ویژگی و مفهوم کلیدی را به‌طور جدی، بر اهمیت و اثرگذار تلقی نمایند و برای ارتقای تراز آن، و یا جلوگیری از فروکاسته شدن آن، زان آن باید به صورت منظم و از پیش‌اندیشیده شده گام‌ها را بردارند. روحیه در نسل چهارم جنگ‌های - در دارای مؤلفه‌های مختلفی است. بالاترین سطح آن، که متأثر از فرهنگ کشورهاست، در اختیار نخستان رهبران یک کشور است. رهبران و نخبگان یک کشور متأثر از اندیشه و باورهای خود دارای بحب و رفتار راهبردی می‌باشند. هدف اصلی در این سطح، تأثیرگذاری هنجاری و روانی بر رفتار بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل است. سطح دیگر مؤلفه روانی، که متأثر از فرهنگ ملی (فرهنگ عمومی جامعه) است، بر عنصر مردمی قدرت ملی کشور تأکید دارد. این سطح، اهداف و سیاست‌های کلان را پشتیبانی می‌کند. نیروهای مسلح کشور نیز از حمایت عاطفی، روانی این سطح برخوردار می‌گردند. به ویژه در کشوری که دفاع همه‌جانبه مردمی به عنوان راهبرد دفاعی آن قلمداد می‌شود، این سطح تعیین‌کننده اصلی قدرت ملی خواهد بود. سطوح دیگر مؤلفه‌های روحیه عبارتند از: مؤلفه‌های اجتماعی و تبلیغی که بر تأثیر هنجارها و تأثیرات تبلیغی آن تأکید دارد. کارکرد اصلی این سطوح از قدرت ملی، پشتیبانی و حمایت عاطفی و سیاسی از سیاست‌های نخبگان و مسئولان نظام و نیروهای مسلح کشور و همچنین بازدارندگی در مقابل سایر بازیگران است. فزون‌سازی دامنه و تراز "روحیه" و "عزم ملی" در جنگ‌های آتی، بدون بهره‌گیری از یک مدل متقن، آزمون‌شده و جامع تحقق نخواهد یافت. چنین مدلی باید قادر باشد از یک‌سو ابعاد و زوایای این دو پدیده را به صورت عینی، عملیاتی و آزمون‌پذیر، تحلیل کند و از دیگر سو با شناخت

شاخص‌های مؤثر بر روحیه و عزم ملی، بتوان به صورت مستمر و فزاینده سطح و میزان آنها را در گستره وسیع جامعه فزونی بخشد.

در این کتاب ابتدا فرآیند تاریخی تفکر پیرامون جنگ از منظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنگاه فرآیند تحول جنگ‌ها، از جنگ‌های ابتدایی تا پسامدرن به اجمال مرور می‌شود. در بخش نخست، مهم‌ترین دیدگاه‌های جامعه‌شناسی جنگ، نیز دو رویکرد متفاوت روان‌شناختی جنگ مرور می‌شود. در ادامه نیز ضمن بحث پیرامون انواع جنگ‌ها در مراحل مختلف تاریخی، مهم‌ترین جنگ‌های قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی برشمرده می‌شوند.

دکتر حجت اله مرادی

دانش آموخته دکترای دفاع ملی

www.ketab.ir